

حضور و جایگاه ایرانیان در تاریخ و تمدن سیسیل در دوره اسلامی

* مهدی عزتی

** محمدعلی چلونگر

چکیده

فتح سیسیل در اوایل قرن سوم هجری دستاورد ارزشمندی برای جهان اسلام محسوب می‌شد. گروهی از ایرانیان از همان هنگام در قالب «سپاه خراسانی» تحت فرماندهی اسد بن فرات نیشابوری، به همراه مسلمانان دیگر وارد سیسیل شده و در تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این منطقه مشارکت فعالی داشتند. مسأله پژوهش حاضر، چگونگی حضور ایرانیان در سیسیل و تبیین جایگاه آنها در تاریخ و تمدن سیسیل در دوره اسلامی است. بر اساس گزارش منابع، چنین به نظر می‌رسد که ایرانیان در برخی از رویدادهای سیاسی سیسیل در دوره اسلامی نقش داشتند و در حوزه تمدن اسلامی انواع علوم، صنایع، معماری و هنرهای ظریف اسلامی - ایرانی را در سیسیل رواج داده‌اند. این دستاوردهای تمدنی در دوره حاکمیت نرمان‌ها به ایتالیا و سپس اروپا منتقل شد.

واژگان کلیدی

ایرانیان، خراسانی‌ها، سیسیل (صقلیه اسلامی)، اسد بن فرات، بنی‌طبری.

*. استادیار گروه تاریخ دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. و مدرس دروس معارف اسلامی (نویسنده مسئول)
ezatimehdi84@yahoo.com
m.chelongar@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۲۱

** استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان.
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۷/۲

طرح مسئله

تصرف «سیسیل» آخرین فتح بزرگی بود که مسلمانان در بخش غربی جهان اسلام در اوایل قرن سوم هجری موفق به انجام آن شدند. هر چند حاکمیت مسلمانان در سیسیل کمتر از سه قرن (۲۷۴ سال) تداوم داشت، اما در همین مدت کم نیز تأثیر عظیمی از خود بر جای گذاشتند. به طوری که در دوره تسلط نرمان‌ها، به همان سبک و سیاق دوره اسلامی عمل می‌شد. حتی در دوره اخیر، تحت حمایت پادشاهان نرمانی فرهنگ و تمدن اسلامی در سیسیل به شکوفایی حقیقی خود رسید.

به‌گواهی اسناد و مدارک تاریخی، ایرانیان در تمام مراحل تاریخ و تمدن اسلامی در سیسیل حضوری تأثیرگذار داشتند. البته برای کسی که از دور به تاریخ سیسیل دوره اسلامی می‌نگرد، حضور ایرانیان در آنجا با توجه به فاصله زیاد میان آنها کمی دور از ذهن به نظر می‌رسد. اما واقعیت این است که ایرانی‌ها از همان آغاز فتح سیسیل در سال ۲۱۲ ق به‌طور فعالی در تحولات تاریخی و فرهنگی آنجا مشارکت داشتند. حال سؤال اینجاست که ایرانیان چه نقشی در تحولات سیاسی سیسیل در عصر اسلامی داشتند و سهم آنان در شکوفایی علمی و فرهنگی آنجا چگونه ارزیابی می‌شود؟ براین اساس این جستار در پی تبیین جایگاه ایرانیان در تاریخ حوادث و رخدادهای سیاسی و همچنین چگونگی انتقال میراث علمی، فرهنگی و تمدنی اسلام و ایران بدانجا هست. روش تحقیق در این مقاله، روش توصیفی - تحلیلی بوده و بر اساس مطالعه منابع کتابخانه‌ای انجام گرفته است.

متأسفانه در داخل کشور پژوهش خاصی راجع به تاریخ و تمدن اسلامی در سیسیل انجام نگرفته و حتی تحقیقات خارج نیز در دسترس نیستند. همین امر دلیل اصلی عدم آگاهی از تاریخ و تمدن سیسیل در میان محققان و جامعه دانشگاهی است. شاید تنها اثر ارزشمندی که در ایران راجع به تأثیر تمدنی ایرانیان در سیسیل انجام گرفته مقاله علی‌اکبر تجویدی تحت‌عنوان «تأثیر هنر ایرانی در نقاشی‌های طاق یک نمازخانه در جزیره سیسیل»^۱ باشد. همچنین الساندرو بوسانی،^۲ مستشرق ایتالیایی یادداشتی کوتاه تحت‌عنوان «تأثیر ایران و اسلام در فرهنگ ایتالیایی»^۳ منتشر کرده که در آن به نقش ایرانیان در فرهنگ سیسیل اشاره‌ای مختصر شده است.

۱. تجویدی، «تأثیر هنر ایرانی در نقاشی‌های طاق یک نمازخانه در جزیره سیسیل»، *هنر و مردم*، ش ۴۴، ص ۱۰-۲.

2. Alessandro Bausani.

۳. بوسانی، «تأثیر ایران و اسلام در فرهنگ ایتالیایی»، *نشریه دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان*، سال ۲، ش ۲ و ۳، ۱۳۴۵.

فتح سیسیل و نقش ایرانیان در فتح آنجا

سیسیل^۱ (صقلیه اسلامی) جزیره‌ای نسبتاً بزرگ در وسط دریای مدیترانه است. این جزیره با سرزمین‌های اسلامی شمال آفریقا فاصله نزدیکی دارد و این فاصله کم موجب شده برخی از مورخان اسلامی آن را جزء آفریقه^۲ به شمار آورند.^۳ پس از فتح سیسیل توسط مسلمانان، آنجا جزء قلمرو حکومت‌های شمال آفریقا (اغلیبان و فاطمیان) درآمد. در منابع جغرافیایی اسلامی از سیسیل عمدتاً تحت عنوان «صقلیه» یاد شده و به سه بخش اصلی شامل منطقه مازر،^۴ نوطس^۵ و دمنش^۶ تقسیم می‌شد. مهم‌ترین شهرهای سیسیل؛ پالمو^۷ (پلرم)، مسینا^۸، مازر، طبرمین^۹، قصریانه^{۱۰} و سیراگوزا^{۱۱} بودند.^{۱۲} مسلمانان از همان آغاز فتوحات اسلامی متوجه اهمیت سیاسی و استراتژیک جزیره سیسیل و دیگر جزایر دریای مدیترانه شده بودند. از همین رو، تا قبل از فتح نهایی سیسیل در سال ۲۱۲ ق، آنان حملات متعددی به آنجا ترتیب داده بودند. نخستین حمله در زمان خلیفه سوم و به دستور معاویه بن ابی‌سفیان، حاکم شام، انجام شد. معاویه بن حدیج، فرمانده مسلمانان در این حمله نتوانست فتحی را نصیب آنها کند و تنها با مقداری غنایم و اسیر به شام بازگشت.^{۱۳} پس از آن، حمله‌های دریایی مسلمانان به جزیره سیسیل به‌طور متناوب، به‌ویژه در دوره امویان ادامه پیدا کرد.^{۱۴}

1. Sicilia.

۲. آفریقه سرزمین پهناوری بود که از شرق به برقه و اسکندریه و از شرق به طرابلس محدود می‌شده (یاقوت، *معجم البلدان*، ج ۱، ص ۲۲۹) و تقریباً منطبق با کشور تونس امروزی است.

۳. ابن‌خطیب، *الاحاطه فی اخبار غرناطه*، ص ۴۱.

4. Mazara.

5. Noto.

6. Demone.

7. Palermo.

8. Messina.

9. Taormina.

10. Cstro Giovanni.

11. Syracuse.

۱۲. اصطخری، *المسالك و الممالک*، ص ۷۳؛ مقدسی، *احسن التقاسیم*، ص ۱۹۱ - ۱۸۵؛ بکری، *معجم ما استعجم*، ص ۲۸۴؛ ادریسی، *نزهة المشتاق*، ج ۲، ص ۶۲۶؛ ببینید نقشه ش ۱.

۱۳. بلاذری، *فتوح البلدان*، ص ۲۳۵؛ ابن‌ابی‌دینار، *المونس فی اخبار افریقیه و تونس*، ص ۲۸؛ نویری، *نهاية الارب*، ج ۲۴، ص ۳۵۳.

۱۴. این حملات بیشتر به‌خاطر کسب غنیمت و یا موقعیت نظامی و استراتژیک جزیره سیسیل انجام می‌شد. به‌طور خلاصه این حملات به شرح زیر بودند: ۱. حمله عبدالله بن قیس فزاری در ۴۶ ق؛ ۲. حمله عقبه بن نافع در ۴۹ ق، ۳. حمله عطاء بن رافع هذلی در ۸۳ ق؛ ۴. حمله عبدالله بن مسی بن نصیر در ۸۵ ق؛ ۵. حمله عیاش بن اخیل در ۸۶ ق؛ ۶. حمله محمد بن اوس انصاری در ۱۰۲ ق؛ ۷. حمله بشرن صفوان کلیبی در ۱۰۹ ق؛ ۸. حمله المستنیر بن حارث در ۱۱۱ ق؛ ۹. حمله عثمان بن عبیده در ۱۱۶ ق؛ ۱۰. حمله حبیب بن عبیده بن عقبه در ۱۲۲ ق؛

تا اینکه در سال ۱۸۹ ق دولت اغلییان توسط ابراهیم بن اغلب (حک. ۱۹۶ - ۱۸۴ ق) در افریقیه تأسیس شد و میان او و پاتریارک^۱ کنستانتین،^۲ فرمانروای سیسیل صلحی به مدت ده سال برقرار شد.^۳ بعد از مرگ ابراهیم اغلی و کنستانتین، عهدنامه صلح آنان توسط حاکمان جدید دو طرف نقض گردید و پس از نبردهای سال ۱۹۷ ق (۸۱۲ م) بار دیگر میان عبدالله بن ابراهیم (حک. ۲۰۱ - ۱۹۶ ق) و گریگوری قرارداد صلح ده ساله امضا شد. آخرین حمله اغلییان قبل از سال ۲۱۲ ق و فتح نهایی سیسیل توسط محمد بن عبدالله بن اغلب در سال ۲۰۴ ق انجام گرفت.^۴ زیاده‌الله اول (حک. ۲۲۳ - ۲۰۱ ق) امیر اغلی به منظور رهایی از شر سپاهیان شورشی و ناراضی و سرگرم کردن آنها به جهاد و فتوحات اسلامی،^۵ در فکر فتح و تصرف جزیره سیسیل بود. شورش یکی از سرداران سیسیلی به نام فیمی (یوفیمیوس) و پناهنده شدن وی به دربار زیاده‌الله بهانه خوبی برای وی فراهم کرد تا به افکار جاه‌طلبانه‌اش، جامه عمل بپوشاند. فیمی، سردار شورشی سیسیل، زیاده‌الله را ترغیب به فتح سیسیل و ملحق ساختن آن به قلمرو اغلییان کرد.^۶ پیشنهاد فیمی، زیاده‌الله اول را بر آن داشت تا مجلس مشورتی موسوم به «جماعه» را تشکیل داده و باتوجه به عهدنامه صلحی که میان دو طرف بسته شده بود، نظر اعیان و بزرگان را در مورد حمله به سیسیل جویا شود. به دلیل اختلاف شدید میان بزرگان اغلی برای نقض صلح، زیاده‌الله از دو تن از فقهای بزرگ یعنی اسد بن فرات و ابومحرز در این باره نظرخواهی کرد. نظر ابومحرز این بود که باید اطلاعات دقیق بیشتری درباره سیسیل جمع‌آوری کرد و نباید در این موضوع، شتاب و عجله شود. اما اسد بن فرات، اسیر بودن مسلمانان در دست حاکم

۱۱. حمله عبدالله بن حبيب در ۱۳۵ ق؛ (برای اطلاع بیشتر رجوع شود به: فازلیف، *العرب و الروم*، ص ۶۴ - ۶۳؛ Amari, *Storia Dei Musulmani Sicilia*, v. 1, p. 194 - 305; Aziz, *A History of Islamic Sicily*, p. 1 - 5.)
۱. Patrician لقب فرماندهان نظامی سیسیل بود که از سوی امپراتوری بیزانس انتخاب می‌شدند.

2. Constantine.

۳. الطالی، *تراجم اغلییه*، ص ۴۵۵.

۴. ابن أبار، *الحله السیراء*، ج ۱، ص ۱۸۱؛ مورینو، *المسلمون فی صقلیه*، ص ۷؛ دوری، *صقلیه*، ص ۳۰.

۵. دلایل دیگری نیز برای حمله اغلییان و فتح سیسیل مطرح است؛ عدم موفقیت عباسیان در جنگ با رومیان در شرق (المدنی، *المسلمون فی جزیره صقلیه و جنوب ایتالیا*، ص ۵۶)؛ موقعیت استراتژیک جزیره سیسیل از لحاظ نظامی، بازرگانی و نزدیک بودن به مرزهای افریقیه و شمال آفریقا (عبدالله، *بیزنطه و مسلمون جنوب ایتالیا و صقلیه*، ص ۱۴)؛ پیشرفت و توسعه کشتی‌سازی اغلییان در دارالصناعه تونس و سوسه و قدرت گرفتن نیروی دریایی آنها (ابن ابی دینار، *المونس فی أخبار افریقی* و *تونس*، ص ۳۶ - ۳۵؛ الجنحانی، *القیروان عبر عصور ازدهار الحضاره الاسلامیه فی المغرب العربی*، ص ۱۱۲).

6. Euphemios.

۷. نویری، *نهاية الأرب*، ج ۲۴، ص ۳۵۵؛ ابن خلدون، *تاریخ*، ج ۴، ص ۲۵۴؛ ریزیتانو، *تاریخ الأدب العربی فی صقلیه*، ص ۳۳.

سیسیل را بهانه خوبی برای جهاد و حمله فوری به سیسیل دانست. رأی اسد بن فرات به تأیید مجلس مشورتی و زیاده‌الله اول رسید.^۱

در چنین شرایطی بود که زیاده‌الله اغلبی، اسد بن فرات را به فرمانده سپاهیان اعزامی منصوب کرد. اسد که در آن زمان مقام قاضی القضاة افریقیه را بر عهده داشت از زیاده‌الله خواست که به‌عنوان یکی از سربازان در این جنگ و جهاد شرکت کند. زیرا معتقد بود که مقام قضاوت بالاتر از فرماندهی سپاه است. به همین جهت وی خطاب به زیاده‌الله گفت:

امیر به سلامت باد! آیا پس از سال‌ها قضاوت و نظر در حلال و حرام مرا معزول می‌کنی و به امیری سپاه می‌گماری؟ اما زیاده‌الله به وی گفت: من تو را از منصب قضاوت عزل نکرده‌ام، بلکه [با حفظ منصب قضاوت] به فرماندهی سپاه منصوب کرده‌ام، بنابراین، تو هم قاضی هستی و هم امیر.^۲

بنابراین اسد بن فرات، فرمانده سپاه مسلمانان در جنگ سیسیل شد و رهسپار بندر سوسه گردید تا در رأس سپاه ده هزار نفری^۳ مسلمانان آماده حمله به سیسیل شود. بنابر روایت المالکی، اسد بن فرات هنگام تجمع سپاهیان و رفتن به جنگ خطاب به آنان چنین گفت:

ای گروه مسلمانان! هیچ‌یک از پدران و اجداد من منصبی حکومتی نداشته‌اند، هیچ‌یک از اسلاف و نیاکان من هرگز چنین مناصبی را به خود ندیده‌اند. آنچه اینک شما برای من می‌بینید جز به برکت قلم نیست. پس در تحصیل و تدوین علم بکوشید و رنج و زحمت آن را بر جسم و جان خود هموار سازید و بر سختی‌های آن شکباید، زیرا به واسطه علم به دنیا و آخرت می‌رسید.^۴

نسبت به آن بخش از روایت المالکی که مربوط به پیشینه و سابقه خانوادگی اسد بن فرات است، تردید جدی وجود دارد. زیرا برطبق گزارش مورخان، پدر اسد بن فرات بن سنان از امیران لشگر

۱. ابوالعرب تمیم، طبقات علماء افریقیة و تونس، ص ۱۶۶ - ۱۶۳؛ المالکی، ریاض النفوس، ج ۱، ص ۲۷۳ - ۲۷۰؛ Aziz, A History of Islamic Sicily, p. 6 - 7.

۲. المالکی، ریاض النفوس، ج ۱، ص ۲۷۳ - ۲۷۰؛ ابن عذاری، البیان المغرب، ج ۱، ص ۱۰۲؛ ابن دباغ، معالم الایمان، ج ۲، ص ۱۸ - ۱۵.

۳. در بین گزارش مورخان درباره تعداد سپاه فاتح سیسیل به فرماندهی اسد بن فرات اختلاف است و شمار آنها را از ۱۰ تا ۲۰ هزار پیاده و ۷۰۰ تا ۹۰۰ سواره نظام ذکر کرده‌اند. ولی روایت مشهور همان ۱۰ هزار پیاده است. (المالکی، ریاض النفوس، ج ۱، ص ۲۷۱ - ۲۷۳؛ بکری، معجم ما استعجم، ج ۱، ص ۴۸۵؛ ابن أبار، الحلة السیراء، ج ۲، ص ۳۸۱؛ ابن عذاری، البیان المغرب، ج ۱، ص ۱۰۲)

۴. المالکی، ریاض النفوس، ج ۱، ص ۲۷۳ - ۲۷۰.

محمد بن اشعث بود که در سال ۱۴۴ ق همراه با سپاهیان وی از خراسان به افریقیه آمدند.^۱ گزارش المالکی درباره اینکه اسلاف و پدران اسد هیچ‌گونه منصب حکومتی نداشته‌اند، حتی اگر از سوی خود اسد نیز بیان شده باشد، صحیح به نظر نمی‌رسد و شاید المالکی که خود عالم و فقیهی دانشمند بوده، خواسته با این روایت اهمیت علم و تحصیل را به تصویر بکشد.

به‌هرحال، انتخاب اسد بن فرات از سوی زیاده‌الله اول برای فرماندهی جنگ با سیسیل، انتخابی درست و زیرکانه بود. زیرا شخصیت دینی و اعتقادی اسد به این جنگ، رنگ‌وبوی جهادی بخشید و باعث شد گروه‌هایی چون عبّاد، مرابطون و داوطلبان جهاد در راه خدا، در این نبرد مشارکت داشته باشند.^۲ اسد بن فرات اصالتی ایرانی داشت. پدر وی، فرات بن سنان اهل نیشابور خراسان بود که همراه سپاهیان ابن اشعث به افریقیه آمده بود. سنان، پدر بزرگ اسد، از موالی بنی‌سلیم بود و در اینکه پدر و نیای اسد اهل نیشابور بودند، شک و شبهه‌ای نیست. خود اسد در شهر حران متولد شده بود و هنگامی که چهار سال بیش نداشت به‌همراه پدرش به افریقیه آمد. حتی در برخی از منابع از وی با لقب «نیشابوری» یاد شده است.^۳

علاوه بر اسد بن فرات نیشابوری که فرماندهی عملیات فتح سیسیل را بر عهده داشت، بخش عمده‌ای از سپاه فاتح سیسیل از ایرانیانی تشکیل می‌شد که معروف به «سپاه خراسانی» بودند.^۴ سپاه خراسانی قبل از روی کار آمدن دولت اقلیبیان و دوره والیان به‌ویژه در عهد محمد بن اشعث (۱۴۸ - ۱۴۴ ق) وارد افریقیه شدند.^۵ این سپاه در عهد دولت اقلیبی به‌صورت نیروی نظامی کارآمد فعالیت می‌کرد و بخشی از ارتش اقلیبیان را تشکیل می‌دادند و در شهرهای بزرگی چون قیروان، تونس و سوسه اقامت داشتند.^۶ به‌غیر از ایرانیان، قوای دیگری از عرب‌ها، بربرها، برخی از مسلمانان اندلس و عده‌ای از دانشمندان و عبّاد، سپاه اسد بن فرات را همراهی می‌کردند.^۷ بدین ترتیب نیروهای مسلمان، در ۱۴ ربیع‌الاول سال ۲۱۲ ق / ۸۳۷ م به‌سوی جزیره سیسیل حرکت کردند و در مازر،

۱. ابن‌أبار، *الحله السیراء*، ج ۲، ص ۳۸۱؛ قاضی عیاض، *ترتیب المدارک*، ج ۳، ص ۲۹۱.

۲. مونس، *تاریخ و تمدن مغرب*، ج ۱، ص ۲۵۳ - ۲۵۲.

۳. ابن‌أبار، *الحله السیراء*، ج ۲، ص ۳۸۱؛ ابوالعرب، *طبقات العلماء افریقیه و تونس*، ص ۱۶۶ - ۱۶۳؛ ابن‌دباغ، *معالم الأیمان فی معرفة أهل قیروان*، ج ۲، ص ۵ - ۳؛ توفیق مدنی، *المسلمون فی جزیره صقلیه و جنوب ایتالیا*، ص ۵۸؛

مورینو، *المسلمون فی صقلیه*، ص ۸.

۴. عباس، *العرب فی صقلیه*، ص ۳۴؛ Amari, *Storia Dei Muslimani Sicilia*, v. 1, p. 394.

۵. یعقوبی، *البلدان؛ عبدالرزاق، الأغالِب*، ص ۷۶ - ۷۵.

۶. مونس، *تاریخ و تمدن مغرب*، ج ۱، ص ۲۳۹ - ۲۳۸؛ عودی، *تاریخ دولت اقلیبیان در افریقیه و صقلیه*، ص ۳۸.

۷. آماری، *المکتبه العربیه الصقلیه*، ص ۳۵۵؛ Aziz, *A History of Islamic Sicily*, p. 1.

منطقه‌ای در منتهی‌الیه ساحل جنوبی سیسیل که طرفداران فیمی (افیمیوس) در آنجا بودند، پیاپی شده و در نبرد سخت و خونینی، لشکریان بیزانس به رهبری بلاطه را در هم شکستند. پس از این پیروزی سرنوشت ساز، نیروهای اسد بن فرات در امتداد ساحل شرقی سیسیل پیشروی کردند تا آنکه به شهر بندری سیراگوزا^۱ رسیدند و آنجا را در محاصره گرفتند.^۲

محاصره سیراگوزا مدت ۱۰ ماه به طول انجامید و در این هنگام، نیروهای مسلمان دچار سختی و مرارت‌های بسیاری گشتند. در اثر شیوع بیماری وبا در میان مسلمانان، بسیاری از آنها کشته شدند. بیماری وبا به اسد بن فرات نیز سرایت کرد و وی نیز همان‌جا درگذشت و به خاک سپرده شد.^۳

بیماری و مرگ به اسد بن فرات فرصت نداد تا شاهد فتح کامل^۴ سیسیل به‌دست هم‌کیشانانش باشد. با وجود این، نام وی به‌عنوان سردار فاتح سیسیل در تاریخ اسلام جاودانه گشت. او دانشمند و فقیهی ایرانی‌تبار بود که در کسب علم و تحصیل علوم اسلامی و همچنین در جهاد و جنگ در راه خدا نامش در تاریخ مغرب و شمال آفریقا پرآوازه شد. ایرانیان همراه سپاه اسد بن فرات در مراحل بعدی فتح سیسیل حضور داشتند و حتی به مشارکت ۳۰۰ نفر از آنها در محاصره و فتح شهر قوسه (سیراگوزا) در سال ۲۶۴ ق اشاره شده است.^۵

ایرانیان مقیم (ساکن) سیسیل و نقش آنها در روی کار آمدن کلبیان

در طی دوران تسلط مسلمانان بر سیسیل اقوام گوناگونی در این جزیره ساکن شدند. غیر از مسیحیان یا سیسیلی‌ها که ساکنان اصلی جزیره بودند، مسلمانان از قومیت‌های مختلف وارد جزیره سیسیل شده و هر یک در شهرها و محله‌های مختلف ساکن شدند. ایرانیان یکی از قومیت‌های مسلمان ساکن سیسیل بودند که همراه سپاهیان فاتح اسلام وارد آنجا شده بودند. از اشاره منابع چنین به‌نظر می‌رسد که بیشتر ایرانی‌ها در شهر بلرم یا پالمو، مرکز سیاسی و اداری سیسیل در دوره اسلامی،

1 Siracusa.

۲. ابن‌عذارى، *البيان المغرب*، ج ۱، ص ۱۰۳ - ۱۰۲؛ ابن‌اثیر، *التکامل فی تاریخ*، ج ۵، ص ۴۵۱؛ ابن‌خلدون، *تاریخ*، ج ۱، ص ۲۴۵؛ ببینید نقشه (۲).

۳. ابوالعرب، *طبقات العلماء*، ص ۱۶۶ - ۱۶۵؛ المالکی، *ریاض النفوس*، ج ۱، ص ۲۷۲؛ ابن‌ابی‌دینار، *المونس فی اخبار افریقیة و تونس*، ص ۴۹؛ قاضی عیاض، *ترتیب المدارک*، ج ۳، ص ۳۰۹؛ ابوالخلیل، *فتح صقلیة*، ص ۷۲ - ۶۷.

۴. فتح کامل سیسیل نزدیک هفتاد سال (۲۱۲ تا ۲۷۹ ق) به طول انجامید و در سال ۲۷۹ هجری فتح نهایی آنجا حاصل شد (برای اطلاع از روند فتح سیسیل رجوع کنید به؛ ابن‌عذارى، *البيان المغرب*، ج ۱، ص ۱۰۲ به بعد؛ نویری، *نهاية الارب فی فون الادب*، ج ۲۴، ص ۳۸۰ - ۳۵۶؛ ابن‌خلدون، *تاریخ*، ج ۱، ص ۲۶۱ - ۲۵۴).

Aziz, *A History of Islamic Sicily*, p. 254 - 261.

5. Amari, *Storio Dei Muslimani Sicilia*, v. 1, p. 539 - 540;

عباس، *العرب فی صقلیة*، ص ۳۶ - ۳۸.

اقامت داشتند. ابن حوقل،^۱ جغرافی‌دان و سیاح بغدادی که حدود سال ۳۵۹ ق از سیسیل دیدن کرده، به حضور ایرانی‌ها (پارس‌ها) در شهر پالمو اشاره کرده و نقل می‌کند که یکی از محلات این شهر به نام آنها شهرت داشته است.

در مورد میزان و تعداد ایرانی‌های ساکن سیسیل از منابع تاریخی و جغرافیایی اطلاعی نمی‌توان ارائه کرد. برخی از محققان معتقدند که تنها تعداد اندکی از ایرانی‌ها در سیسیل اقامت داشتند.^۲ این در حالی است که میشل آماری - مورخ برجسته سیسیلی - مدعی است که بخش عمده سپاه فاتح سیسیل را سپاهیان خراسانی تشکیل می‌دادند و اینان نقش زیادی در فتح سیسیل ایفا کردند.^۳ از سوی دیگر، از حوادث و رویدادهایی که در سیسیل رخ داد، این‌طور به‌نظر می‌رسد که برخی از خاندان‌های ایرانی، موقعیت و جایگاه ممتازی در آنجا و به‌ویژه شهر پالمو دارا بودند.^۴

یکی از خاندان‌های ایرانی که به‌خاطر نقش‌شان در رخدادهای سیاسی، در تاریخ سیسیل دوره اسلامی ماندگار شد خاندان بنی‌طبری بود. بیشتر مورخان معاصر اسلامی و غربی اصل و منشأ خاندان بنی‌طبری را ایران و سرزمین طبرستان دانسته‌اند؛ مورخان اولیه اسلامی اشاره‌ای به تبار و نژاد آنها نکرده‌اند. ابن‌اثیر - مورخ قرن هفت هجری - از آنها با همین عنوان «بنی‌طبری» یاد کرده است. ولی در متن کتاب ابن‌خلدون (چاپ بیروت) به‌صورت «بنی‌طیر» ذکر شده است.^۵ بیشتر محققان و مورخان معاصر تاریخ سیسیل نیز برای خاندان بنی‌طبری اصل و منشأ ایرانی قائل شده‌اند.^۶ حسین مونس، تنها مورخ عرب معاصر است که به اشتباه و از روی متن ابن‌خلدون، خاندان بنی‌طبری را خاندانی بومی از سیسیل دانسته است.^۷ چنین به‌نظر می‌رسد که متن عربی کتاب ابن‌خلدون (چاپ بیروت) که مونس نیز از آن بهره برده، نام «بنی‌طیر» به‌طور درستی تصحیح نشده، زیرا میشل آماری که احتمالاً از نسخه دیگری از کتاب ابن‌خلدون استفاده کرده و عین جملات را در کتاب *المکتبه* نقل کرده، نام صحیح «بنی‌طبری» را ذکر کرده است.^۸ از سوی دیگر، فرض اینکه

۱. ابن‌حوقل، *صورة الأرض*، ج ۱، ص ۱۲۲.

2. Aziz, *A History of Islamic Sicily*, p. 22.

3. Amir, *Storio Dei Musulmani Sicilia*, v. 1, p. 394;

عباس، *العرب فی صقلیه*، ص ۳۴.

۴. همان، ص ۶۵.

۵. ابن‌اثیر، *الکامل فی تاریخ*، ج ۱، ص ۴۷۱؛ ابن‌خلدون، *تاریخ*، ج ۴، ص ۲۰۸.

۶. آماری، *المکتبه العربیة الصقلیة*، ص ۴۷۹؛ عباس، *العرب فی صقلیه*، ص ۴۵؛

Aziz, *A History of Islamic Sicily*, p. 30; metcalfe, *The Muslims Of Mediveval Italy*, p. 53.

۷. مونس، *تاریخ و تمدن مغرب*، ج ۲، ص ۱۰۰.

۸. آماری، *المکتبه العربیة*، ص ۴۷۹.

آنان خاندانی سیسیلی باشند بعید است، زیرا اسامی خاندان بنی طبری حتی با اسلام آوردن آنها هیچ نشانی از سیسیلی بودن آنها ندارد.

انقراض دولت اغلیبان در سال ۲۹۷ ق در افریقیه توسط فاطمیان، باعث ایجاد بحران‌های سیاسی و خلأ قدرت در جزیره سیسیل شد. از سوی دیگر، کاهش نفوذ و قدرت مرکزی موجب رشد و گسترش قدرت اشراف و خاندان‌های مسلمان به‌ویژه در مرکز سیاسی سیسیل یعنی شهر پالمو شد. بنابراین در فاصله سال‌های ۲۷۹ تا ۳۳۵ ق، یعنی استقرار خاندان کلبی، حکومت سیسیل شاهد دست‌به‌دست شدن قدرت میان اغلیبان و طرفداران فاطمی بود.^۱ در همین برهه زمانی بود که خاندان بنی طبری توانستند پیروان و حامیانی دور خود جمع کنند و صاحب نام و آوازه‌ای شوند. رؤسای بنی طبری از اعیان و اشراف پالمو بوده و دارای قصرها و خانه‌های اعیانی بزرگی بودند.^۲

هم‌زمان با این واقعه، شورش ابویزید در افریقیه خواب را از چشمان فاطمیان ربوده و تمام توجه آنها به فرونشاندن قیام ابویزید خارجی بود. حاکم فاطمی سیسیل، ابن عطف ازدی نیز با سپاهیان افریقی اختلاف داشت و از سوی مسیحیان سیسیل تحت فشار بود.^۳

در چنین اوضاعی در روز عید فطر سال ۳۳۵ ق اسماعیل بن طبری، رهبر بنی طبری، علیه ابن عطف فاطمی قیام کرد و بسیاری از اهالی شهر پالمو نیز به وی پیوستند. پیروان اسماعیل بن طبری بر شهر پالمو سیطره پیدا کرده و ابن عطف به‌ناچار به قلعه نظامی شهر پناه برد و محاصره شد. ابن عطف توانست برای خلیفه فاطمی، المنصور (حک. ۳۴۱ - ۳۳۴ ق)، پیکی ارسال کند و از وی تقاضای کمک کند.^۴

المنصور فاطمی که به‌تازگی شورش ابویزید را سرکوب کرده بود، تصمیم گرفت برای حل بحران و آشوب جزیره ناآرام سیسیل راه علاجی بیابد. به همین جهت وی، حسن بن علی بن ابی‌الحسین کلبی را که از سرداران بزرگ سپاه فاطمی بود و در ماجرای شورش ابویزید شهادت و توانایی زیادی از خود نشان داده بود، با سپاه انبوه و اختیار تام به سال ۳۳۶ ق راهی سیسیل کرد.^۵

بنابراین، حسن کلبی با کشتی‌های جنگی راهی سیسیل شد و در ساحل شهر بندری مازر پیاده شد. به‌دلیل ترس اهالی شهر مازر از بنی طبری، حسن نتوانست وارد آنجا شود و مجبور شد ابتدا در

۱. ابن خلدون، تاریخ، ج ۴، ص ۲۱۰ - ۲۰۲؛ Aziz, *A History of Islamic Sicily*, p. 25 - 30.

۲. ابن اثیر، الکامل فی تاریخ، ج ۸، ص ۶۷۱؛ توفیق مدنی، المسلمون فی جزیره صقلیه و جنوب ایتالیا، ص ۱۲۳.

۳. ابن اثیر، الکامل فی تاریخ، ج ۸، ص ۶۷۱.

۴. همان؛ ابن خلدون، تاریخ، ج ۴، ص ۲۰۸؛ آماری، المكتبة العربية، ص ۴۷۹.

۵. ابن ابی‌دینار، المونس، ص ۶۲؛ Metcalfe, *The Muslims Of Medieval Italy*, p. 53.

بیرون شهر اردو بزند. تا اینکه گروهی از اهالی افریقیه و کتامیان توانستند به نزد حسن بروند و به وی وعده همکاری دادند. ظاهراً در این هنگام، بنی طبری دو نفر را به افریقیه نزد خلیفه فاطمی فرستاده تا از وی بخواهند کسی غیر از حسن بن علی کلبی را به سیسیل اعزام کند.^۱ به محض اینکه آن عده به شهر بازگشتند، حسن به طور ناگهانی وارد شهر مازر شد و تمام سپاهیان افریقی آنجا به او پیوستند. مردم که احساس کردند با مردی دوراندیش و باهوش طرف هستند، گروه گروه به وی پیوستند. همچنین رؤسا و کارمندان دیوان‌ها و افرادی که از قیام دوری کرده بودند، به حسن پیوستند.^۲

اسماعیل بن طبری وقتی اوضاع را چنین دید، خواست با خدعه و فریب^۳ مردم را علیه حسن بن علی کلبی تحریک کند. اما حيله وی کارگر نیفتاد و اهالی سیسیل اطمینان خاطر بیشتری نسبت به عملکرد حسن پیدا کردند. در نتیجه، رؤسای بنی طبری تنها و بدون پشتیبان ماندند. حسن بنا به دستور المنصور، خلیفه فاطمی، اسماعیل و علی بن طبری و همچنین متحدان آنها یعنی محمد بن عبدون و محمد بن جنا و برخی از همراهان‌شان را دستگیر کرده و به افریقیه فرستاد.^۴

به‌هرحال، حسن بن کلبی با درایت و کاردانی قیام خاندان بنی طبری را فرو خواباند و موفق شد بر امور جزیره سیسیل تسلط پیدا کند. منابع از انگیزه و علت قیام بنی طبری گزارشی ارائه نکرده‌اند. باین‌حال می‌توان گفت که فزون خواهی و تلاش برای کسب قدرت از سوی رؤسای ثروتمند بنی طبری انگیزه مناسبی می‌توانسته باشد. به‌ویژه آنکه در آن برهه، حاکمیت دولت فاطمیان بر اثر شورش ابویزید خارجی در سیسیل به‌شدت کاهش پیدا کرده بود. از سوی دیگر، از گزارش منابع چنین بر می‌آید که سبب قدرت‌گیری خاندان کلبی در سیسیل قیام بنی طبری بوده است. زیرا خاندان حسن کلبی بعد از چیره شدن بر بنی طبری، سلسله‌ای محلی در سیسیل بنا نهادند، که مدت

۱. ابن اثیر، *الکامل فی التاریخ*، ج ۸، ص ۴۷۱.

۲. همان، ص ۴۷۲؛ مونس، *تاریخ و تمدن مغرب*، ج ۱، ص ۱۰۰.

۳. ماجرا بدین قرار بود که زمانی که بیشتر طرفداران اسماعیل بن طبری به حسن پیوستند، وی یکی از غلامان حسن را که از اهالی سیسیل و بسیار شجاع بود به خانه یکی از مردم آنجا دعوت کرد. سپس صاحب‌خانه از خانه خارج شد و فریاد زد که این غلام به زور به خانه من وارد شده و زن مرا مورد آزار و اذیت قرار داده است. مردم جمع شدند و اسماعیل آنها را تحریک کرد و گفت: اینان هنوز شهر را کاملاً نگرفته و بر ما چیره نشده‌اند، چنین می‌کنند، پس اگر مسلط شوند چه خواهند کرد؟ اسماعیل به مردم گفت نزد حسن روند و تصور کرد که حسن از کیفر غلام خویش صرف‌نظر کرده و این امر باعث شورش مردم علیه وی شده و او را از شهر بیرون کنند. وقتی مردم به نزد حسن شکایت بردند، حسن آن مرد مدعی را احضار کرد و او را سوگند داد که بگوید که آن غلام آن کار زشت را انجام داده است. چون مرد مدعی سوگند یاد کرد، حسن دستور داد غلام را گردن زدند و مردم که چنین عدالتی را دیدند، خشنود و آرام شدند (ابن اثیر، *الکامل فی التاریخ*، ج ۸، ص ۴۷۲).

۴. همان، ۴۷۳ - ۴۷۲؛ ابن خلدون، *تاریخ*، ج ۴، ص ۲۰۹ - ۲۰۸؛ آماری، *المکتبة العربیة الصقلیة*، ص ۴۸۰ - ۴۷۹.

۹۵ سال (۴۳۳ - ۳۳۶ ق) به طول انجامید. هر چند آنان هرگز وفاداری خویش را به فاطمیان از یاد نبرده و خود را تابع دولت فاطمی می‌دانستند.^۱

عالمان و بزرگان ایرانی در سیسیل

سیسیل جزء آخرین متصرفات مسلمانان در غرب جهان اسلام بود و بالطبع فرهنگ و معارف اسلامی دیرتر از بقیه نقاط اسلامی وارد آنجا شد. اما این سرزمین نیز به برکت حضور و رفت و آمد دانشمندان اسلامی از شمال آفریقا و شرق اسلام بدانجا، به یکی از مراکز مهم علمی و فرهنگی جهان اسلام تبدیل شد. دوری و مسافت طولانی میان سیسیل و مراکز علمی در شرق اسلام و ایران مانع رفت‌وآمد علمای ایرانی به آنجا و نیز عالمان سیسیلی به ایران نشد. در طول تاریخ سرزمین سیسیل در دوره اسلامی، تعدادی از دانشمندان ایرانی بنا به انگیزه‌ها و علایق متفاوتی به آنجا مسافرت کردند. تنها تعداد انگشت‌شماری از آنها در منابع تاریخی نام و یادشان به یادگار مانده است و بالطبع کسان دیگری نیز بوده‌اند که از آنها در نوشته‌های مورخان نامی برده نشده است.

برجسته‌ترین و بزرگترین دانشمند ایرانی که به سیسیل قدم گذاشت، همان فاتح افریقیه یعنی اسد بن فرات نیشابوری بود. وی فقیهی برجسته و عالمی توانا و مجاهدی نستوه بود که خاستگاهی ایرانی داشت و در افریقیه و شهر قیروان رشد و نمو کرد. اسد تحصیلات ابتدایی را در تونس و نزد علی بن زیاد (او نیز از ایرانیان مقیم افریقیه بود) فرا گرفت، ولی عمده تحصیلاتش را در شرق و نزد شاگردان ابوحنیفه در عراق و سپس شاگرد مالک بن انس در مصر آموخت. وی حاصل و نتیجه تحصیلات خویش و تدوین کتاب *الموطأ* مالک بن انس را در کتاب فقهی تحت عنوان *الاسدیة* تألیف کرد. اسد در مسجد جامع قیروان به تدریس و آموزش معارف اسلامی مشغول شد و یکی از بزرگ‌ترین فقها و اساتید افریقیه شد. وی عهده‌دار منصب قاضی‌القضاتی افریقیه بود که در سال ۲۱۲ ق توسط زیاده‌الله اول مأمور فتح سیسیل شد.^۲

هر چند حضور اسد بن فرات در سیسیل یک سال بیشتر طول نکشید و در همین مدت نیز بیشتر وقت وی صرف جنگ و نبرد شد، اما به همراه اسد، تعداد زیادی از شاگردان، فقها و علمای افریقیه حضور داشتند که بعد از مرگ به اشاعه معارف و علوم اسلامی در سیسیل همت گماشتند. چون اسد و

۱. ابن اثیر، *الکامل فی التاریخ*، ج ۸، ص ۴۷۱ به بعد؛ عباس، *العرب فی الصقلیة*، ص ۴۴؛ الدوری، *صقلیة*، ص ۱۰۸؛

Aziz, *A History of Islamic Sicily*, p. 30.

۲. ابوالعرب، *طبقات علماء افریقیة و تونس*، ص ۱۶۶ - ۱۶۳؛ المالکی، *ریاض النفوس*، ج ۱، ص ۲۷۳ - ۲۵۴؛ قاضی

عیاض، *ترتیب المدارک*، ج ۳، ص ۳۰۹ - ۲۹۱؛ ابن دباغ، *معالم الأیمان*، ج ۲، ص ۳ به بعد.

شاگردانش پیرو مذهب حنفی بودند، از این رو بیشتر مردم سیسیل پیرو مذهب حنفی گشتند. به طوری که مقدسی، جغرافی دان قرن چهارم هجری، مذهب اکثر اهالی سیسیل را حنفی گزارش کرده است.^۱

ابوجعفر مروزی؛ از علما و فقهای ایرانی بود که در اواخر قرن سوم هجری به سیسیل مهاجرت کرد. نام کامل وی، ابوجعفر بن محمد بن احمد بن عبدالجبار بود که در شهر مرو، مرکز خراسان، متولد شده بود. ابن جوزی او را راوی حدیث و فردی مورد ثقة معرفی کرده است.^۲ ابوجعفر از طریق افریقیه وارد سیسیل شد و احتمالاً مدتی را در قیروان سپری کرده بود، زیرا بر طبق گزارش ابن کثیر، وی در جریان شورش ابویزید خارجی توسط پیروان ابویزید اسیر شده بود.^۳ بر اساس گزارش ابن عذاری، ابوجعفر مروزی فقیهی بود که به شدت در مظان بدعت و رفض قرار داشت و در سال ۲۹۳ ق در سیسیل درگذشت.^۴ از گفته ابن عذاری چنین بر می آید که ابوجعفر مذهب شیعه داشت و به احتمال فراوان از طرفداران اسماعیلی و شاید هم از داعیان آنها در سیسیل بوده است.

محمد بن خراسان؛ اگرچه منابع به خاستگاه و محل تولد وی اشاره نکرده اند، اما از نام پدرش «خراسان» و نیز اینکه پدرش از موالی بنی اغلب بوده، به احتمال فراوان اصالتی ایرانی و خراسانی داشته است.^۵ وی از علمای علم نحو بوده و در زمره علمای متقدم علوم قرآنی به شمار می رفته است. ابن خراسان برای کسب علم، مدتی در مصر نزد محمد بن بدر القاضی و مروان بن عبدالملک بن شاذان اقامت کرد و سپس نزد ابن مظفر بن احمد بن حمدون در عراق به تحصیل علوم اسلامی مشغول گشت. آنگاه به سیسیل بازگشته و به تدریس و آموزش نحو، قرائت و حدیث روی آورد. تا اینکه در سال ۳۸۶ ق در سیسیل درگذشت.^۶

ابوبکر هروی؛ نام کامل وی، ابوالحسن علی بن ابوبکر هروی است و صاحب کتاب *الاشارات الی معرفة الزیارات* (یا الدیارات) است. همان طور که از نامش پیداست، اصل وی از هرات از شهرهای مهم خراسان بود، ولی خود او در شهر موصل به دنیا آمد.^۷ وی یک سیاح و جهانگرد

۱. مقدسی، *احسن التقاسیم*، ص ۲۳۸؛ ابن دباغ، *معالم الأیمان*، ج ۲، ص ۱۱۱؛ الدوری، *صقلیة*، ص ۱۸۰ - ۱۷۹.

۲. ابن جوزی، *المنتظم*، ج ۱۴، ص ۱۴.

۳. ابن کثیر، *البدایة و النهایة*، ج ۱۱، ص ۲۵۶؛ ابن خلکان، *وفیات*، ج ۱، ص ۲۳۴.

۴. ابن عذاری، *البيان المغرب*، ج ۱، ص ۱۳۸؛ عباس، *العرب فی صقلیة*، ص ۱۲۶؛

Aziz, *A History of Islamic Sicily*, p. 30

5. smith, *A History Of Sicily: medieval sicily 800 - 1713*, p 9.

۶. ابن خلکان، *وفیات*، ج ۱، ص ۵۰؛ الزهرانی، *الحیة علمیة فی صقلیة الاسلامیة*، ص ۴۱۳؛ عباس، *العرب فی صقلیة*، ص ۱۰۴.

۷. هروی، *الاشارات الی معرفة الزیارات*، مقدمه، ص ۵؛ ابن مستوفی، *تاریخ اربیل*، ج ۱، ص ۱۵۱.

مسلمان بود و بنا به گفته ابن خلکان «هر کجا دیدنی وجود داشت به آنجا می‌رفت و به جایی نمی‌رسید جز آنکه با خط خود چیزی روی دیوار می‌نوشت و من خود [ابن خلکان] در بلاد مختلف آن را دیدم».^۱ یکی از نقاط دوردستی که ابوبکر هروی از آن دیدن کرد جزیره سیسیل بود، که در قرن ششم هجری یعنی عصر حکومت نورمان‌ها در سیسیل این بازدید انجام گرفته است.^۲ برطبق گزارش کتاب *الزیارات* به قلم ابوبکر هروی، وی از قبور بزرگانی همچون اسد بن فرات نیشابوری دیدن کرده است.^۳

همچنین در سیسیل دوره اسلامی، دانشمندان و علمای بزرگی رشد و پرورش پیدا کردند که برخی از آن‌ها برای کسب علم و دانش نزد بزرگان و علمای شرق اسلام، رنج سفر را بر خود هموار کردند و به مراکز علمی ایران به‌ویژه اصفهان، بغداد و نیشابور مسافرت کردند. برخی از دانشمندان سیسیلی که به ایران مسافرت کردند عبارتند از:

سعید بن سلام؛ وی در شهر جرجنتی^۴ از شهرهای ساحلی سیسیل به دنیا آمد. در منابع و کتب طبقات، با عنوان «ابوعثمان مغربی» از او یاد شده است.^۵ ابوعثمان در مصر و حجاز نزد علمایی چون ابوالحسن صائغ دینوری و ابوکاتب شاگردی کرد و در مدت اقامتش در مکه به «طاووس الحرم» لقب گرفت.^۶ وی با آنکه در زهد و پارسایی شهره زمان خود بود، اما او را از مکه اخراج کردند و به همین جهت راهی بغداد و سپس نیشابور شد.^۷ او تا آخر عمرش در نیشابور اقامت کرد و در آنجا یکی از بزرگان و مشایخ صوفیه و عرفای بنام سلسله «معروفیه» به شمار می‌رفت. ابوعثمان در نزد اهل عرفان به «جنید ثانی» معروف شد، زیرا طریقت و شیوه سلوک شیخ جنید بغدادی را در پیش گرفت.^۸ ابوعثمان سعید بن سلام در همان شهر نیشابور در سال ۳۷۳ ق درگذشت. قبر وی امروز آرامگاه و محل زیارت و احترام مردم است.

عتیق بن علی السمنطاری؛ وی از فقها و بزرگان مسلمان در سیسیل بود، که به علم و تقوای

۱. ابن خلکان، *وفیات*، ج ۳، ص ۳۴۶.

۲. مونس، *تاریخ و تمدن مغرب*، ج ۱، ص ۲۵۰.

۳. هروی، *الاشارات الی معرفة الزیارات*، ص ۵۲.

۴. به عربی جرجنت یا کرنت تلفظ می‌شد و در زبان لاتین اگریجنتو (Agrigento) است.

۵. سلمی، *طبقات الصوفیة*، ص ۵۰۵.

۶. ابن جوزی، *المنتظم*، ج ۷، ص ۱۲۲.

۷. سلمی، *طبقات الصوفیة*، ص ۵۰۵.

۸. همان، ص ۵۱۰ - ۵۰۵؛ ذهبی، *تاریخ الاسلام*، ج ۱۶، ص ۳۲۰؛ فوزی، «ابوعثمان مغربی»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۵، ص ۷۳۲ - ۷۳۱.

بسیار مشهور بود. نام وی از سمنطار، روستایی در جزیره سیسیل اخذ شده بود.^۱ سمنطاری برای فراگیری علم حدیث به شرق دنیای اسلام مسافرت کرد و در شهرهای اصفهان، زنجان، اهواز، بروجرد، نهاوند و همدان نزد علمای بزرگی چون ابونعیم اصفهانی، عبدالرحمن بن احمد رازی و دیگران حدیث فرا گرفت.^۲ پس از مراجعت، عتیق بن علی در سیسیل تا زمان سقوط آنجا به دست نورمان‌ها به تدریس حدیث و فقه مشغول بود.^۳

تأثیر ایرانیان در کشاورزی و اقتصاد سیسیل

در دوره اسلامی، به‌ویژه در عصر کلبیان، کشاورزی در سیسیل رونق چشم‌گیری پیدا کرد. در این دوره، شیوه آبیاری هیدرولیک توسط ایرانیان در سیسیل به کار گرفته شد و به‌همراه سیستم آبیاری رومی باعث تقویت و رشد زراعت و کشاورزی در آنجا شد. اکثر چشمه‌ها و منابع آبی در آنجا اسامی عربی و پارسی داشتند و حتی مقیاس‌های اندازه‌گیری و شرب آب نیز اسلامی بود. آب شیرین چشمه‌ها و قنات‌های جزیره سیسیل به باغ و بستان‌ها طراوت خاصی بخشید.^۴

در زمینه تنوع محصولات زراعی و باغی، مسلمانان و علی‌الخصوص ایرانیان، بسیار اثرگذار بودند. تا آنجا که ایرانیان فن کشت نیشکر و آسیاب کردن آن را به سیسیل و اروپا منتقل کردند و کلمه «شکر» به‌صورت Zucchero و sugar به زبان‌های ایتالیایی و انگلیسی راه یافت.^۵ همچنین کاشت درخت توت به‌منظور پرورش کرم ابریشم و درخت سماق برای استفاده در دباغی و رنگرزی و کشت میوه‌هایی مانند خرما، پسته و نارنج توسط ایرانیان و از طریق مغرب و آفریقه به سیسیل و اروپا وارد شد.^۶ اسامی چون سماق (sommacco)، زعفران (zafferano)، زنجبیل (zenzero)، فندق (fondaco)، نارنج (arancio) و ... واژگانی فارسی بودند که از طریق سیسیل به زبان ایتالیایی راه پیدا کردند.^۷

در پالمو، یکی از مشهورترین پارک‌های (بوستان) اسلامی به نام پارک «favara» به‌معنای «فواره» در قرن چهارم هجری (یازده میلادی) توسط یکی از امیران مسلمان سیسیل بنا شد. این باغ به شیوه کاملاً ایرانی یعنی با دیوارهای محصور شده و با جویبارها و فواره‌های زیبا طراحی و ساخته شد و

۱. حموی، معجم البلدان، ج ۳، ص ۲۵۳.

2. Amary, *Storio Dei Musulmani Sicilia*, v. 1. P. 554 – 555.

۳. عباس، العرب فی صقلیه، ص ۱۰۱.

4. Aziz, *A History of Islamic Sicily*, p. 38; smith, *A History Of Sicily: medieval sicily 800 - 1713*, p. 7.

۵. الکعاک، روابط ایران و تونس در گذر زمان، ص ۲۳۲ - ۲۳۱.

6. Aziz, *A History of Islamic Sicily*, p. 3;

الکعاک، روابط ایران و تونس در گذر زمان، ص ۲۳۶ - ۲۳۳؛ عباس، العرب فی صقلیه، ص ۷۲.

۷. بوسانی، «تأثیر ایران و اسلام در فرهنگ ایتالیایی»، نشریه دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان، ش ۲ و ۳، ص ۱۱۲.

در دوره پادشاهان نورمانی ترمیم و بازسازی گردید.^۱ واژه‌های مربوط به باغداری که از عربی و فارسی اخذ شده بود، در زبان و گویش سیسیلی به‌جامانده و این موضوع مهارت مسلمانان و تأثیر آنها در امر کشاورزی آنجا را نشان می‌دهد.^۲

در سیسیل کارگاه‌های طرازبافی در شهرهای پالرمو^۳ و کورلئونه^۴، پارچه‌های نفیس و ابریشمی تولید می‌کرد. این صنعت در شرق اسلام و ایران ریشه داشت. در دفاتر تجاری ایتالیا در قرون وسطی نام پارچه‌های شرقی از جمله پارچه‌های ابریشمی گیلانی به‌صورت «Ghella» و مازندرانی به‌صورت «Masandoroni» آمده است. در نمونه بسیار ارزشمند طرازبافی که در پالرمو پیدا شده و متعلق به یکی از امیران نورماندی بوده، تأثیر هنر پارچه‌بافی ایران دیده می‌شود. بر روی این لباس، در نیمه راست و چپ آن، شکلی گل‌دوزی شده که به نگاره‌های ایران کهن بسیار شبیه و در آن شیری به شتری حمله کرده است. این نوع تصاویر (حیوانات و شکار) به هنر قدیمی ایران اختصاص داشته است.^۵

همچنین، صنعت کاغذسازی در عصر اقلیبیان از طریق ایرانیان به بغداد و افریقیه وارد شد و از آنجا به سیسیل و سپس سراسر اروپا منتقل شد.^۶

سیسیل از لحاظ تجاری همواره در موقعیت بسیار مناسبی قرار داشت. در دوره حاکمیت مسلمانان بر سیسیل موقعیت تجاری سیسیل نه‌تنها کاهش پیدا نکرد، بلکه بر اهمیت آن نیز افزوده شد. زیرا جزیره سیسیل در وسط دریای مدیترانه، پلی میان اروپا و سرزمین‌های اسلامی در شمال آفریقا، مصر و شرق اسلامی به شمار می‌آمد. در همین عصر اسلامی، پای تجار ایرانی به سیسیل نیز باز شد. بنا بر نظر یکی از مورخان تاریخ سیسیل، تجارت خارجی سیسیل به‌طور عمده در دست تجار مسلمان بود و تجارت غله، برده و احشام اصولاً در انحصار ایرانیان قرار داشت.^۷ در سیسیل غله و به‌ویژه گندم به‌طور گسترده کشت و به افریقیه و مصر صادر می‌شد. همچنین تجارت مسلمانان با دولت‌های ساحلی جنوب ایتالیا مخصوصاً ناپل، سالرنو و ونیز به میزان قابل توجهی انجام می‌شد.^۸ با اطمینان

۱. همان، ص ۱۱۴.

2. Amari, *Storia Dei Musulmani Sicilia*, v. 1, p. 506 – 512; smith, *A History Of Sicily: medieval sicily 800 – 1713*, p.1.

3. Palermo.

4. Corleon.

۵. بوسانی، «تأثیر ایران و اسلام در فرهنگ ایتالیایی»، *نشریه دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان*، سال دوم، ش ۲ و ۳، ص ۱۱۶.

۶. شفا، *ایران در اسپانیا*، ص ۶۲۷.

7. smith, *A History Of Sicily: medieval sicily 800 - 1713*, p. 1.

۸. بوسانی، «تأثیر ایران و اسلام در فرهنگ ایتالیایی»، *نشریه دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان*، سال دوم، ش ۲ و ۳،

ص ۱۱۷؛ Aziz, *A History of Islamic Sicily*, p. 39

نمی‌توان گفت که آیا تجار ایرانی از خود سرزمین ایران به مراکز تجاری سیسیل می‌آمدند یا از بلاد دیگر اسلامی؟ زیرا این احتمال وجود دارد که این تجار از ایرانیان مقیم سیسیل و افریقیه بوده باشند، ولی آنچه که مسلم است اینکه اینان اصالتی ایرانی داشته و شواهد متقنی در این زمینه در دست است.^۱

تأثیر هنر و معماری ایرانی در سیسیل و ایتالیا

از هنگامی که ایرانیان به دین اسلام گرویدند و بخشی از جغرافیای پهناور اسلامی گشتند، تمام تجربیات هنری، فرهنگی و بسیاری از سنت‌های باستانی ایرانی در خدمت فرهنگ و تمدن اسلامی قرار گرفت. همین تجارب تمدنی، اساس و پایه‌های هنر و معماری اسلامی را بنیان نهاد. در واقع هر جا سخن از هنر اسلامی به میان می‌آید، گویی از هنر و شیوه ساسانی و ایرانی بحث می‌شود.

به‌گواهی مدارک و آثار برجای مانده، معماری قسمت اعظم سیسیل تا پایان قرن ششم هجری همچنان متأثر از شیوه و سبک اسلامی بود. بیشتر شهرها به شیوه شهرسازی اسلامی دارای مساجد، بازار، محله‌ها، گرمابه‌ها، قصرها و بناهای مجلل بودند، که بقایای برخی از آنها هنوز در سیسیل باقی است.^۲ از طرفی، شیوه‌های معماری ایرانی مانند مفرنس‌کاری و تزئینات ظریف، قوس‌های تیز رأس که متأثر از معماری ایرانی بوده و بر انواع قوس‌های دیگر برتری دارد، در آثار و ابنیه تاریخی سیسیل در دوره اسلامی قابل مشاهده است.^۳ تعداد زیادی از اشیای تاریخی نظیر بشقاب‌ها، جام‌ها، طشت‌ها، دوات‌ها و ... در موزه‌های شهر ونیز موجودند که از هنر طلاکاری ایرانی متأثراند. نامی که در ایتالیا به این نوع هنر داده شده *Ageminatara* به معنای کار عجمی است و نشان‌دهنده نفوذ هنر ایران در آنجاست.^۴

هنر معماری ایرانی - اسلامی در عصر حکمرانی نرمان‌ها بر سیسیل نه تنها از رونق نیفتاد، بلکه شکوفایی تازه‌ای را آغاز کرد و حتی نفوذ و تأثیر آن تمام ایتالیا را در بر گرفت.^۵ آثار هنری متأثر از معماری ایرانی در سیسیل بسیار است که می‌توان آن را در ساختمان العزیزه، کلیسای سان جوانی و دیگر آثار مشاهده کرد.^۶

اما شاید هیچ‌کدام از آنها به لحاظ تأثیر و اهمیت هنر ایرانی به اندازه آثار طاق نمازخانه پلاتینا در

1. Smith, *A History Of Sicily: medieval sicily 800 - 1713*, p. 1.

2. Aziz, *A History of Islamic Sicily*, p. 97.

۳. هونکه، *فرهنگ اسلام در اروپا*، ج ۳، ص ۱۵۲ - ۱۵۱.

۴. بوسانی، *تأثیر ایران و اسلام در فرهنگ ایتالیایی*، ص ۱۱۷.

۵. هونکه، *فرهنگ اسلام در اروپا*، ج ۳، ص ۱۵۰.

۶. بوسانی، *نشریه دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان*، ص ۱۱۵؛ الجهبینی، *صقلیة وعمائرها الاسلامیة فی العصر الفاطمی*، ص ۴۶ - ۳۸.

شهر پالمو نرسد. ساخت این نمازخانه در زمان راجر اول آغاز گردید و در زمان راجر دوم در حدود قرن دوازده میلادی تکمیل گردید. نقاشی‌های مُقرنس‌کاری شده در سقف و طاق پلاتینا به حدی شبیه آثار ایرانی است، که گویی به‌دست یک هنرمند ایرانی نگارگری شده است.^۱ تأثیر این نقاشی‌ها از هنر ایرانی و ساسانی، مورد اذعان اکثر معماران برجسته غربی است. آندره گدار، معمار و باستان‌شناس فرانسوی معتقد است؛ بدنه‌های نقاشی شده پلاتینا مدیون هنر عصر ساسانی است.^۲ در پژوهشی که توسط یک محقق ایرانی انجام گرفته، بسیاری از نقاشی‌های طاق پلاتینا و نمونه‌های ایرانی آن در عصر هخامنشی و ساسانی، مقایسه و تطبیق داده شده است. این مقایسه‌ها نشان‌دهنده تأثیر انکارناپذیر هنر و معماری ایرانی در عصر نورمانی در سیسیل است.^۳

شکل زیر (شماره ۱) نمونه‌ای از نقاشی‌های طاق پلاتینا است که در آن پرنده بزرگی پیکر انسانی را در بر گرفته است. موضوع این نقاشی در صدها اثر ایرانی چه قبل و چه بعد از نقاشی مذکور به‌کاررفته است و در واقع این پرنده همان سیمرغ است که طبق افسانه‌های ایرانی، زال را با خود به کوه قاف برد و او را تربیت کرد. نقش دیگر (شکل ۲)، پرنده‌ای شبیه کرکس یا شاهین است که در حال حمله به حیوانی مثل خرگوش یا بز کوهی است. این نقاشی نیز ریشه در نقش‌برجسته‌های عصر هخامنشی دارد.^۴



شکل شماره ۱ (برگرفته از مقاله علی‌اکبر تجویدی)

شکل شماره ۲ (برگرفته از مقاله علی‌اکبر تجویدی)

۱. تجویدی، «تأثیر هنر ایرانی در نقاشی‌های طاق یک نمازخانه در جزیره سیسیل»، *هنر و مردم*، ش ۴۴، ص ۳.

۲. گدار، *هنر ایران*، ص ۴۶۷.

۳. تجویدی، «تأثیر هنر ایرانی در نقاشی‌های طاق یک نمازخانه در جزیره سیسیل»، *هنر و مردم*، ص ۱۰ - ۲.

۴. همان؛ و نیز بنگرید به:

Villard, "Le Pitture musulmans al soffitto della coppella palatia in Palermo", *Roma*, v. 4, p. 162 - 164.

شبهات بسیار این تصاویر به آثار هنری ایرانی، این سؤال را به ذهن بیننده متبادر می‌سازد که به‌واقع چه کسی یا کسانی خالق و سازنده نگاره‌های طاق پلاتینا، آن‌هم در عصر نرمان‌ها بوده‌اند؟ قبلاً اشاره شد که ایرانیان در همان زمان فتح سیسیل به‌همراه دیگر مسلمانان پای بدانجا گذاشتند و در دوره‌های بعد نیز حضور آنها در حوادث و رویدادهای سیسیل تأیید گردید. هرچند درباره تداوم حضور ایرانیان در عصر تسلط نرمان‌ها گزارش تاریخی موجود نمی‌باشد، اما می‌دانیم که در همین عصر به‌خاطر علاقه حاکمان نرماندی به فرهنگ و تمدن اسلامی، بسیاری از مسلمانان از قومیت‌های مختلف همچنان در سیسیل باقی ماندند. بنابراین، این احتمال بسیار قوی است که در همین دوره نیز ایرانی‌ها به‌ویژه هنرمندان ایرانی در دربار حاکمان سیسیلی حاضر بوده و در ایجاد و خلق آثار هنری و معماری نمازخانه پلاتین دخال مستقیم داشته‌اند. فرض دیگر این است که به وجود آورندگان این آثار، آموزش‌دیده سبک‌ها و شیوه‌های هنرمندان ایرانی بوده‌اند که این احتمال کمی دور از ذهن به‌نظر می‌رسد.^۱

انتقال آثار علمی و فرهنگی ایران به اروپا از طریق سیسیل

سیسیل یکی از گذرگاه‌های انتقال آثار علمی دانشمندان ایرانی و اسلامی به اروپا بود. در واقع، این جزیره در کنار مراکز علمی اندلس (اسپانیا) و همچنین دوره جنگ‌های صلیبی، سومین کانال و مسیر انتقال فرهنگ و تمدن اسلامی به اروپا به‌شمار می‌آمد. اهمیت سیسیل از آنجا که بیشترین تأثیر را در رنسانس و نوزایی علمی در ایتالیا و اروپا ایفا نمود، عیان می‌گردد.

با وجود از بین رفتن حاکمیت مسلمانان در سیسیل در اواخر قرن پنجم هجری، شکوفایی علمی و فرهنگی اسلامی همچنان با قوت بیشتری در عصر حاکمیت نرمان‌ها ادامه پیدا کرد. در این دوره، آثار علمی دانشمندان ایرانی به‌ویژه در زمینه طب، ریاضی و نجوم به لاتین ترجمه شد. همچنین شرح‌هایی که بر آثار دانشمندان یونانی توسط مسلمانان نوشته شده بود، متفکران اروپایی را عمیقاً تحت‌تأثیر قرار داد. ترجمه کتب طبی برای آموزش در مدرسه طب سالرنو^۲ در ایتالیا از قرن پنجم هجری (۱۱ میلادی) آغاز شد.^۳ استفان^۴ انطاکی در سال ۵۲۱ ق کتاب *الکامل الصناعه الطبيه* اثر طبیب ایرانی، علی بن عباس مجوسی اهوازی را در سیسیل ترجمه کرد و در اختیار پزشکان سالرنو گذاشت.

۱. تجویدی، «تأثیر هنر ایرانی در نقاشی‌های طاق یک نمازخانه در جزیره سیسیل»، *هنر و مردم*، ش ۴۴، ص ۱۰.

۲. Salerno.

۳. Metcalfe, *The Muslims Of Mediveal Italy*, p. 259.

۴. Stefano.

کتاب *الحاوی* اثر زکریای رازی به دست فرج بن سالم از یهودیان ساکن شهر جرجنتی به لاتین ترجمه شد. کنستانتین افریقایی^۱ نیز برخی از کتب رازی در علم کیمیا (شیمی) را ترجمه کرد. گفته شده، اولین بار وی، کتاب *المالکی* علی بن عباس را به لاتین ترجمه کرده بود.^۲

در زمان حکومت فردریک دوم،^۳ پادشاه نرمان‌ها، جریان انتقال میراث علمی مسلمانان از سیسیل رونق بیشتری گرفت. فردریک به خاطر علاقه به ادبیات، علوم و فلسفه، دانشگاه ناپل^۴ را تأسیس کرد و در آنجا مترجمان زیادی را به کار ترجمه کتب علمی دانشمندان مسلمان گمارد. با حمایت فردریک، آثار فلسفی ابن سینا، حکیم و فیلسوف ایرانی توسط مایکل اسکات،^۵ مترجم مشهور سیسیلی، به لاتین ترجمه شد. گفته شده که خود فردریک، فیلسوف برجسته‌ای بوده و سخت تحت تأثیر افکار و اندیشه‌های ابن سینا قرار داشته است. همچنین، در دربار فردریک به نجوم و ریاضی توجه خاصی می‌شد. برخی از آثار منجمان و ریاضی‌دانان ایرانی از جمله کتاب ارزشمند *صور الكواکب* اثر عبدالرحمن صوفی، کتاب *جوامع علم نجوم* اثر فرغانی و رسالات محمد خوارزمی در ریاضی^۶ ترجمه و مورد استفاده قرار گرفت.^۷

نفوذ فرهنگی ایرانی و اسلامی در سازمان، عناوین و آداب و تشریفات دربار نرمان‌ها نیز بسیار نمایان بود. در این میان علاقه و دل‌بستگی راجر دوم، یکی از پادشاهان نرمانی، به فرهنگ ایرانی تا حدی بود که وی جامه و لباسی به شیوه پادشاهان ایرانی بر تن و از سبک زندگی سلاطین ایرانی تقلید می‌کرد و دارای حرمسرا، خواجه‌ها و قصرهای بزرگ و مجلی بود.^۸ همچنین، صاحب‌منصبان دربار راجر دوم عناوینی همانند درباریان سلاطین ایرانی داشتند. جانبان‌ها، حاجبان، میرآخور و جامه‌دار نمونه‌هایی از این عناوین بودند.^۹

عنوان و واژه فارسی «دیوان» که از طریق زبان عربی به سیسیل راه یافته بود، به ابتدای نام نهادهای

1. Constantin of Africa.

۲. ناظری، «ترجمه متون مسلمین در اروپا»، *فصلنامه تاریخ اسلام*، ش ۱۹، ص ۱۴۰؛

Aziz, *A History of Islamic Sicily*, p. 89 – 92.

3. Frederik II.

4. Naple.

5. Michael Scott.

۶. زیج خوارزمی و مقدمات حساب خوارزمی توسط یکی از مترجمان سیسیل یعنی ادلارد (Adlard) به انگلیسی ترجمه شد. (ناظری، «ترجمه متون مسلمین در اروپا»، *فصلنامه تاریخ اسلام*، ش ۱۹، ص ۱۴۱)

7. Metcalfe, *The Muslims Of Mediveval Italy*, p. 254 - 255, Aziz, *A History of Islamic Sicily*, p. 259.

۸. تجویدی، «تأثیر هنر ایرانی در نقاشی‌های طاق یک نمازخانه در جزیره سیسیل»، *هنر و مردم*، ش ۴۴، ص ۲؛ Aziz, *A History of Islamic Sicily*, p. 97.

۹. ابن‌اثیر، *الکامل فی تاریخ*، ج ۵، ص ۱۳۳.

مالی و اداری نرمان‌ها اضافه شده و به صورت واژه لاتینی Dohana درآمد. از جمله این دیوان‌ها که در دوره نرمان‌ها کارکرد خودشان را حفظ کرده بود، «دیوان التحقیق» و «دیوان المعمور» بود.^۱ علاوه بر این، برخی از واژه‌های فارسی از طریق زبان عربی به زبان ایتالیایی و لهجه سیسیلی راه پیدا کرده و سپس به زبان‌های دیگر اروپایی وارد شد. برخی از این واژه‌ها عبارتند از: واژه «بازار» که به صورت Bazzariotu به زبان سیسیلی وارد شد. واژه «کاروان» که به صورت Carvana به سیسیلی و به صورت Carovana به ایتالیایی وارد شد. واژه «پسته» و «نارنج» که به صورت Naranzu و Pistachio وارد زبان سیسیلی شده است.^۲

نتیجه

از مجموع این مباحث چنین برمی‌آید که ایرانیان در فتح اولیه سیسیل نقش بسزایی داشتند. فاتح سیسیل، اصل و تباری کاملاً ایرانی داشت و بخش مهمی از نیروهای نظامی فاتح، ایرانیانی بودند که تحت عنوان «سپاه خراسانی» در جنگ و فتح آنجا حضور داشتند. پس از آن، ایرانی‌ها در جریان حوادث و تحولات سیاسی و اجتماعی سیسیل دست داشتند. خاندان ایرانی بنی‌طبری در دوره ضعف و آشفتگی‌های سیاسی، رهبری مردم ناراضی را به عهده گرفته و برای مدتی کوتاه (کمتر از یک سال) توانستند قدرت را در سیسیل به دست گیرند. هرچند آنها توان حفظ قدرت را نداشتند، ولی در عوض اسباب حاکمیت خاندان کلبی را در سیسیل فراهم کردند.

از سویی دیگر، نهضت علمی و فرهنگی در سیسیل با ورود اسد بن فرات، فاتح ایرانی سیسیل آغاز گردید. زیرا وی عالم و فقیه بود و به همراه او تعدادی از فقها، علما، ادبا و شاگردان‌اش وارد سیسیل شدند. اینان هسته اولیه نهضت علمی و فرهنگی اسلامی را در آنجا بنیان گذاشتند. همچنین در طول دوره اسلامی، تبادلات علمی و فرهنگی میان ایران و سیسیل برقرار بود و برخی از عالمان و سیاحان ایرانی به سیسیل سفر کرده و برخی از دانشمندان سیسیلی نیز برای فراگیری علوم به مراکز علمی ایران آمدند. تأثیر علمی و تمدنی ایرانیان در سیسیل در ابعاد گوناگونی چون؛ هنر، معماری، انواع صنایع و هنرهای ظریف، کشاورزی و علوم مختلف به وضوح نمایان است. در عصر نرمان‌ها، پادشاهان نرمانی از آداب و رسوم و تشریفات درباری شاهان ایرانی پیروی می‌کردند و تحت حمایت آنها آثار علمی دانشمندان ایرانی ترجمه و از طریق سیسیل به ایتالیا و اروپا انتقال یافت.

۱. مورینو، *المسلمون فی صقلیة* ص ۲۰؛ ۱۵۴، Metcalfe, *The Muslims Of Mediveal Italy*, p.

۲. بوسانی، «تأثیر ایران و اسلام در فرهنگ ایتالیایی»، *نشریه دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان*، سال دوم، ش ۲ و ۳، ص ۱۱۲؛ مورینو، *المسلمون فی صقلیة*، ص ۳۲، ۳۸ - ۳۴.

منابع و مأخذ

۱. آمارى، میخائیل، *المکتبة العربية الصقلية*، ترجمه قاسم محمدالرجب، بغداد، مکتبه المثنی، ۱۸۵۷ م.
۲. ابن ابی دینار، *المونس فی اخبار افریقیة و تونس*، تحقیق محمد شمام، تونس، المکتبه العتیقه، ۱۹۶۷ م.
۳. ابن اثیر، عزالدین، *الکامل فی تاریخ*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۹۸۷ م.
۴. ابن أبار، محمد بن عبدالله، *الحله السیراء*، تحقیق حسین مونس، قاهره، دار المعارف، ۱۹۸۵ م.
۵. ابن جوزی، ابوالفرج، *المنتظم*، تحقیق محمد و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۹۹۲ م.
۶. ابن حوقل، ابوالقاسم، *صورة الأرض*، بیروت، دار المکتبه الحیاه، ۱۹۸۵ م.
۷. ابن خطیب، لسانالدین، *الاحاطة فی أخبار غرناطة*، تحقیق محمد عبدالله عنان، قاهره، مکتبه الخانجی، ۱۹۷۳ م.
۸. ابن خلدون، عبدالرحمن، *تاریخ ابن خلدون*، بیروت، دار الفکر، ۱۹۸۸ م.
۹. ابن خلکان، احمد بن محمد، *وفیات الأعیان*، تحقیق احسان عباس، بیروت، دار الصادر، ۱۹۶۸ م.
۱۰. ابن خنشی القيروانی، محمد بن حارث، *قضاة قرطب و علماء افریقیة*، قاهره، چاپ عزت العطار الحسینی، ۱۹۵۳ م.
۱۱. ابن دباغ، عبدالرحمان و ابن ناجی تنوخی، *معالم الأیمان فی معرفة اهل قیروان*، تحقیق ابراهیم شبح، قاهره، مکتبه الخانجی، ۱۹۶۸ م.
۱۲. ابن عذارى، احمد بن محمد، *البيان المغرب فی أخبار الأندلس*، تحقیق ژرژ، س کولان و لیفی برونسال، بیروت، *دارالمکشف*، ۱۹۸۳ م.
۱۳. ابن عساکر، علی بن حسن، *تاریخ مدینة دمشق*، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الفکر، بی تا.
۱۴. ابن کثیر، عمادالدین، *البدایة و النهایة*، تصحیح احمد ابوملحم و دیگران، بیروت، بی تا، ۱۹۸۵ م.
۱۵. ابن مستوفی، مبارک بن احمد، *تاریخ اربل*، بغداد، دار الرشید للنشر، بی تا.
۱۶. ابوخلیل، شوقی، *فتح صقلية (بقيادة الفقيه المجاهد أسد بن الفرات)*، بیروت، دار الفکر، ۲۰۰۱ م.
۱۷. ابوالعرب تمیم، محمد بن احمد، *طبقات علماء افریقیة و تونس*، تحقیق علی شابی و نعیم الیافی، تونس، دار التونسیه، ۱۹۶۸ م.

۱۸. ادریسی، محمد بن عبدالله، *نزهة المشتاق فی اختراق الآفاق*، بیروت، عالم الکتب، ۱۹۸۹ م.
۱۹. اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، *المسالك و الممالک*، لیدن، مطبعة بریل، ۱۹۲۷.
۲۰. بکری، ابو عبید، *معجم ما استعجم من اسماء البلاد*، تحقیق مصطفی سقا، بیروت، عالم الکتب، ۱۹۸۳ م.
۲۱. بلاذری، احمد بن یحیی، *فتوح البلدان*، تحقیق صلاح الدین منجد، قاهره، مکتبه النهضة المصریه، ۱۹۵۶ م.
۲۲. بوسانی، الساندرو، «تأثیر ایران و اسلام در فرهنگ ایتالیایی»، *نشریه دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان*، سال دوم، ش ۲ و ۳، ۱۳۴۵.
۲۳. تجویدی، اکبر، «تأثیر هنر ایرانی در نقاشی های طاق یک نمازخانه در جزیره سیسیل»، *هنر و مردم*، ش ۴۴، ص ۱۰-۲، خرداد ۱۳۴۵.
۲۴. التلیسی، بشیر رمضان، *الاتجاهات الثقافية فی بلاد الغرب الاسلامی*، بنغازی، دار المدار الاسلامی، ۲۰۰۴ م.
۲۵. التیجانی، عبدالله بن محمد، *الرحلة التیجانی*، تحقیق حسن حسنی عبدالوهاب، تونس، دار العربیه للکتاب، ۱۹۸۱ م.
۲۶. الجهنی، محمد، *صقلیة و عمائرها الاسلامیة فی العصر الفاطمی*، قاهره، الأكادیمیه الحدیثه للکتاب الجامعی، ۲۰۰۷ م.
۲۷. الجنحانی، حبیب، *القیروان عبر عصور ازدهار الحضاره الاسلامیه فی المغرب العربی*، تونس، دار تونسیه، ۱۹۶۸ م.
۲۸. حاج منوچهری، «اسد بن فرات»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر موسوی بجنوردی، ج ۸، تهران، بی نا، ۱۳۸۳.
۲۹. حموی، یاقوت، *معجم البلدان*، بیروت، دار احیاء التراث العربیه، ۱۹۷۹ م.
۳۰. الدوری، تقی الدین، *صقلیة؛ علاقاتها بدول البحر المتوسط الاسلامیة من الفتح العربی حتی الغزو النورمندی ۲۱۲ - ۴۸۴ هـ*، بغداد، دار الرشید، ۱۹۸۰ م.
۳۱. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، *تاریخ الاسلام و وفيات المشاهیر و الأعلام*، تحقیق عبدالسلام التدمری، بیروت، دار الکتب العربی، بی تا.
۳۲. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، *سیر أعلام النبلاء*، محب الدین عمر العمروی، بیروت، دار الفکر، ۱۹۹۷ م.

۳۳. ریزیتانو، امبرتو، *تاریخ الأدب العربی فی صقلیة*، عمان، جمعیه عمال المطابع، ۱۹۶۵ م.
۳۴. الزهرانی، علی بن محمد بن سعید، *الحیة علمیه فی صقلیة الاسلامیة*، مکه، جامع ام‌القری، ۱۹۹۶ م.
۳۵. سلمی، عبدالرحمن، *طبقات الصوفیة*، تحقیق یوهانس پدرس، لیدن، بی نا ۱۹۶۰ م.
۳۶. شفا، شجاع‌الدین، *ایران در اسپانیا*، ترجمه مهدی سمسار، تهران، نشر گستره، ۱۳۸۵.
۳۷. شیرازی، ابواسحاق، *طبقات الفقهاء*، علی محمد عمر، قاهره، مکتبه الثقافیه الدینیة، ۱۹۹۷ م.
۳۸. الطالی، محمد، *تراجم اهللیة*، تونس، المطبعة الرسمیه التونسیه، ۱۹۶۸ م.
۳۹. فازلیف، *العرب و الروم*، ترجمه محمد عبدالهادی شعیره، بیروت، دار الفکر العربی، بی تا.
۴۰. فوزی، ناهیده، «ابو عثمان مغربی»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۵، تهران، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۲.
۴۱. عباس، احسان، *العرب فی صقلیة*، بیروت، دار الثقافه، ۱۹۷۵ م.
۴۲. عبدالله، ودیع فتحی، *بیزنطة و مسلمون جنوب ایتالیا و صقلیة*، الاسکندریة، مؤسسه شباب الجامعه، ۱۹۹۲ م.
۴۳. عبدالرزاق، اسماعیل، *الأغالبة*، قاهره، مکتبه سعید رأفت، ۱۹۷۲ م.
۴۴. عودی، ستار، *تاریخ دولت اهللیان در افریقیه و صقلیه*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۵.
۴۵. قاضی عیاض، موسی بن عیاض، *توتیب المدارک و تقریب المسالک لمعرفة اعلام مذهب مالک*، تحقیق سعید احمد اعراب و دیگران، رباط، مطبعة المحمدیه، ۱۹۸۳ - ۱۹۸۱ م.
۴۶. الکعاک، عثمان، *روابط ایران و تونس در گذر زمان*، ترجمه ستار عودی، تهران، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳۸۷.
۴۷. گدار، آندره، *هنر ایران*، ترجمه بهروز حبیبی، تهران، بی نا، بی تا.
۴۸. المالکی، ابو عبدالله، *ریاض النفوس*، تحقیق بشیر البکوش، بیروت، دار الغرب الاسلامی، ۱۹۹۴ م.
۴۹. مدنی، احمد توفیق، *المسلمون فی جزیره صقلیة و جنوب ایتالیا*، الجزائر، شرکه الوطنیه، ۱۳۶۵ ق.
۵۰. مقدسی، ابو عبدالله، *احسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم*، بیروت، دار التراث العربی، ۱۹۸۷ م.
۵۱. مونس، حسین، *تاریخ و تمدن مغرب*، ترجمه حمیدرضا شیخی، تهران، سمت، ۱۳۸۴.
۵۲. مورینو، مارتینو ماریو، *المسلمون فی صقلیة*، بیروت، منشورات الجامعه اللبنانیة، ۱۹۶۸ م.
۵۳. ناظری، محمدرضا، «ترجمه متون مسلمین در اروپا»، *فصلنامه تاریخ اسلام*، ش ۱۹، ص ۱۵۱ - ۱۲۷، پاییز ۱۳۸۳.

۵۴. نویری، شهاب‌الدین، *نهایة الارب فی فنون الأدب*، قاهره، بی‌نا، ۱۹۷۵ م.

۵۵. هروی، ابوبکر، *الاشارات إلى معرفة الزیارات*، تحقیق علی عمر، قاهره، مکتبه الثقافه الدینیّه، بی‌تا.

۵۶. هونکه، زیگرید، *فرهنگ اسلام در اروپا*، ترجمه مرتضی رهبانی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹.

۵۷. یعقوبی، احمد بن اسحاق، *البلدان*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۲۰۰۲ م.

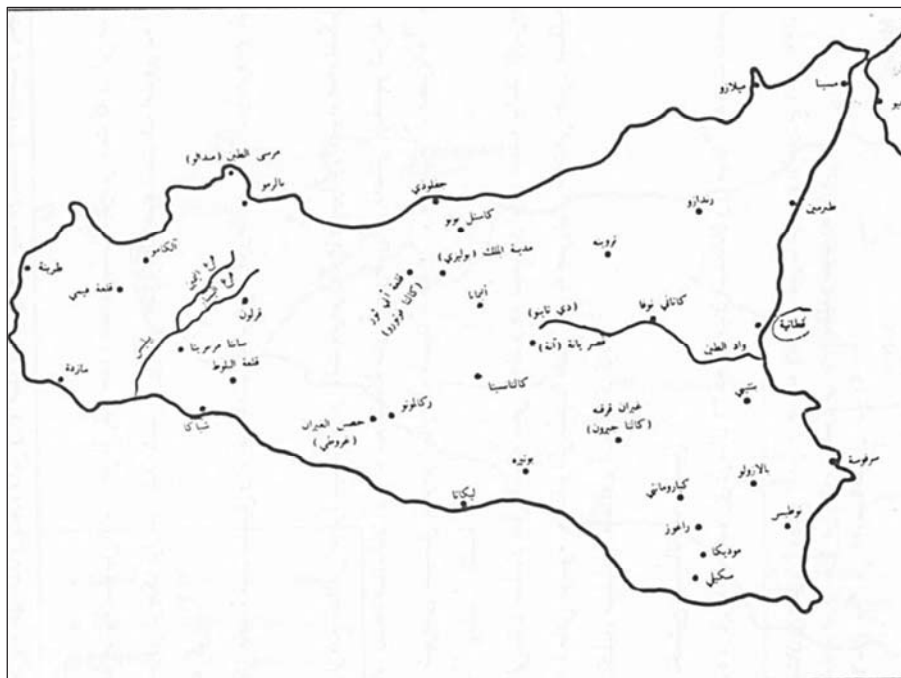
58. Aziz, Ahmad; *A History of Islamic Sicily*, Edinburgh, 1975.

59. Amari, Michele, *Storio Dei Musulmani Sicilia*, Acurad: C. A. Nallino, Catania, 1933.

60. Metcalfe, Alex; *The Muslims Of Mediveval Italy*, Edinburgh, 2009.

61. Smith, Denis Mack; *A History Of Sicily: medieval sicily 800 — 1713*, London, 1938.

62. Villard, Monneret; "Le Pitture muslmans al soffitto della coppella palatia in Palermo", *Roma*, No 82, 1950.



نقشه (۱): مهم‌ترین شهرهای سیسیل (مأخذ کتاب العرب فی صقلیه، احسان عباس)

